

Investigating the Impact of Muhammad bin Salman's Policies on Social Gaps and Political Violence in Saudi Society

Sajad Rafiyan ^{1*}
Hamid Houshang ²

Received on: 07/03/2021
Accepted on: 13/09/2021

Abstract

Saudi society has been a fragmented and tribal society for a long time, and many differences between tribes and groups in Saudi Arabia have led to divisions among the classes of Saudi society. Despite the beginning of the nation-state-building process during the reign of King Abdul Aziz through the suppression of tribal tendencies, the extent of these gaps has not been reduced. And it has had many effects and consequences on Saudi society. Because different groups in Saudi society have been excluded from equal distribution of power, deprivation of participation in political issues and demands for equality in economic capabilities will lead to an increasing expectation of presence in society and power. On the other hand, due to the existence of a closed society and a pyramid in Saudi Arabia, the Shah does not consider himself obliged to answer to the people. And this issue means that the king will not be responsible for the lives of the people in order to the accumulation of protests and social pressures to become violent results in Saudi society.

Therefore, the main question of this research is what is the most important impact of Muhammad bin Salman's policies on the social divisions of Saudi society? In the present study, using a descriptive-analytical method, while categorizing the most prominent gaps in Saudi society, using the theory of deprivation-aggression, the relationship between major gaps and political violence was investigated. Research shows that with the growth of Bin Salman in line with the Vision 2030 document, the growth of socio-economic gaps in Saudi society has increased. And the widening of these gaps in the context of the development of deprivation among sections of society has increased the risk of politically motivated acts of violence.

Keywords: Saudi Arabia, social divide, Mohammad bin Salman, Vision 2030, political violence.

1*. Postgraduate of Islamic Education and Political Sciences, Imam Sadegh (AS) University.
(Corresponding author: sajjad74rafiyan@gmail.com)

2. Assistant Professor of Political Sciences, Imam Sadegh (AS) University.
(Email: h.houshang@isu.ac.ir)

بررسی تأثیر سیاست‌های محمد بن سلمان بر شکاف‌های اجتماعی و اقدامات خشونت‌بار سیاسی در جامعه عربستان سعودی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

سجاد رفیعیان^{۱*}

حمید هوشنگی^۲

چکیده

جامعه عربستان سعودی از گذشته تاکنون جامعه‌ای چندپاره و طایفه‌ای بوده و اختلافات فراوانی میان قبایل و گروه‌های موجود در عربستان منجر به بروز شکاف‌هایی در میان طبقات جامعه سعودی شده است. علی‌رغم آغاز فرآیند دولت-ملت‌سازی در دوره ملک عبدالعزیز از طریق سرکوب تمایلات قبیله‌ای، از میزان این شکاف‌ها کاسته نشده و آثار و تبعات زیادی بر جامعه سعودی داشته است. از آنجایی که گروه‌های مختلفی در جامعه عربستان از توزیع برابر قدرت کنار گذاشته شده‌اند، محرومیت از مشارکت در مسائل سیاسی و مطالبات در جهت برابری در توانمندی‌های اقتصادی موجب پدید آمدن توقع فزاینده برای حضور در جامعه و قدرت خواهد شد. از سوی دیگر به دلیل وجود جامعه بسته و هرمی در عربستان، شاه خود را ملزم به پاسخگویی به مردم نمی‌داند و همین مسئله یعنی پاسخگو نبودن پادشاه نسبت به زندگی مردم موجب خواهد شد تا انباشت اعتراضات و فشارهای اجتماعی تبدیل به نتایج خشونت‌بار در جامعه سعودی گردد.

بنابراین سؤال اصلی این پژوهش آن است که مهم‌ترین تأثیر سیاست‌های محمد بن سلمان بر شکاف‌های اجتماعی جامعه عربستان سعودی چیست؟ در پژوهش حاضر با استفاده از شیوه توصیفی تحلیلی، ضمن دسته‌بندی برجسته‌ترین شکاف‌های جامعه سعودی، با بهره‌گیری از نظریه محرومیت-تهاجم، رابطه میان شکاف‌های اساسی و اقدامات خشونت‌بار سیاسی بررسی گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با اصلاحات بن سلمان در راستای سند چشم‌انداز ۲۰۳۰، رشد شکاف‌های اجتماعی-اقتصادی در جامعه سعودی افزایش یافته و تقویت این شکاف‌ها در بستر توسعه محرومیت در میان طبقات جامعه خطر اقدامات خشونت‌بار سیاسی را افزایش داده است.

واژگان کلیدی: عربستان سعودی، شکاف اجتماعی، محمد بن سلمان، چشم‌انداز ۲۰۳۰، خشونت سیاسی.

(صفحه ۱۹۶-۱۶۵)

۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)

(نویسنده مسئول: sajjad74rafiyan@gmail.com)

۲. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع) (h.houshang@isu.ac.ir)

مقدمه

فرآیند دولت-ملت سازی مدرن در عربستان سعودی از حکومت سوم سعودی در ۱۹۳۲ آغاز گردید. پیش از این تاریخ هیچ حکومت ثابت و یکپارچه‌ای بر مناطق عربستان کنونی حکومت نداشته است. اصلی‌ترین چالشی که پیش روی حکومت عربستان سعودی از گذشته تاکنون در برابر سعودی‌ها قرار داشته است، چالش تأسیس یک حکومت بر پایه‌های هویتی، فرهنگی و متکثر جدید است. در این شرایط عبدالعزیز مؤسس خاندان پادشاهی از روش طرد گروه‌های اجتماعی و اتکا به سلفی‌های مبارز استفاده نمود تا بتواند حکومت خود را سامان داده و به ثبات برساند. این اقدام نه تنها شکاف‌های اجتماعی و آثار آن را کاهش نداد بلکه این شکاف‌ها را در میان بخش‌های مختلف جامعه سعودی برای سالیان متمادی حفظ نمود. نقش روحانیون و مذهبیان سلفی در حکومت عربستان تا روی کار آمدن محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است؛ اما بعد از به قدرت رسیدن محمد بن سلمان، آن‌ها از ایفای نقش و تأثیرگذاری بر جامعه عربستان کنار گذاشته شدند و در مقابل، جریان مخالف و منتقد یعنی لیبرال‌ها قدرت یافتند. از سوی دیگر جامعه عربستان سعودی از گذشته تا دوران پادشاهی ملک سلمان تغییرات چندانی را تجربه نکرده و همچون سایر جوامع سنتی شکل قبلی خود را حفظ کرده است اما در دوره جدید، تغییرات مهمی در سطح اجتماعی رخ داده و جامعه سنتی و مذهبی عربستان در حال گذار نسبتاً سریع به یک جامعه سکولار است. همچنین اگرچه به نظر می‌رسد حکومت عربستان ثروتمند است و در ظاهر اختلافی میان طبقات مختلف در آن دیده نمی‌شود، اما تبعیض‌ها و امتیازات فراوانی که برای خاندان حاکم در نظر گرفته شده است و در نتیجه توزیع ناعادلانه ثروت در جامعه، موجب پدید آمدن و تقویت شکاف‌های فراوانی شده است. اکنون محمد بن سلمان با طرد روحانیون از قدرت در نظر دارد جامعه جدیدی را ایجاد کند که در آن ظواهر اسلامی به کنار رفته و ظواهر مدرنیته غربی بدون توسعه سیاسی و اجتماعی متجلی شده باشد. طرد شدن سلفی‌های متعصب سعودی از قدرت و روی کار آمدن جریان غرب‌گرا در عربستان می‌تواند به بروز اقدامات خشنونت‌بار از سوی بخش‌های سنتی جامعه سعودی منجر گردد. دو گروه اصلی یعنی سلفی‌ها و لیبرال‌ها همواره در دو دهه گذشته در تقابل و جدل با یکدیگر بودند اما در نهایت با به قدرت رسیدن بن سلمان لیبرال‌ها از موضع ضعف خارج شدند و تقریباً در موضعی برابر با سلفی‌ها قرار گرفتند. در کنار این موضوع، وضعیت اقتصادی نابرابر،

شکاف‌های فراستان و فرودستان، مشکلات بیکاری، گرانی، مسکن و سایر مشکلات موجب شده است تا شکاف‌های مختلفی بر پیکره جامعه سعودی وارد آید. بامطالعه اقشار مختلف در عربستان سعودی می‌توان به این نتیجه رسید که این جامعه همانند هر جامعه دیگری متشکل از گروه‌های مطالبه‌گر اجتماعی و اقشار کم‌درآمد است که پدیده شکاف اجتماعی را در این جامعه تقویت کرده‌اند. مجموع این تحولات اجتماعی در جامعه عربستان موجب شده است تا فاصله‌هایی که میان طبقات مختلف اجتماعی با خاستگاه‌های اجتماعی مختلف وجود داشت، تبدیل به شکاف‌های عمیق اجتماعی شود و به تضاد و تقابل میان طیف‌های مختلف اجتماعی بینجامد. آنچه برای فهم تحولات جامعه عربستان بعد از اجرای اصلاحات اجتماعی بن سلمان لازم و ضروری است، تأثیرات این اصلاحات بر وضعیت شکاف‌های اجتماعی است تا بتوان یکی از زمینه‌های جدی بروز اقدامات خشونت‌بار سیاسی را شناسایی نمود. فرضیه تحقیق عبارت است از:

اصلاحات محمد بن سلمان بر مبنای چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، با وجود ایجاد تحولات اجتماعی عمیق و ریشه‌دار، با تشدید شکاف‌های اجتماعی، زمینه بروز اقدامات خشونت‌بار را فراهم کرده است.

با توجه به فرضیه مطرح‌شده سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱- سؤال اصلی: مهم‌ترین تأثیر سیاست‌های محمد بن سلمان بر شکاف‌های اجتماعی جامعه عربستان سعودی چیست؟

۲- سؤالات فرعی

۱-۲- برجسته‌ترین شکاف‌های اجتماعی در عربستان سعودی کدام‌اند؟

۲-۲- این شکاف‌ها چه تأثیری بر شکل‌گیری مسئله محرومیت داشته‌اند؟

۲-۳- تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر بروز اقدامات خشونت‌بار سیاسی چیست؟

الف- مرور پیشینه تحقیق

موضوع این پژوهش، مسائل روز عربستان سعودی است و بررسی‌ها نشان می‌دهد آثاری مستقیم در این زمینه تدوین‌نشده است اما برخی از آثار به حوزه‌های مختلف و مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته‌اند.

مارتین شولوو (۲۰۱۹) به بررسی تأثیرات اصلاحات بن سلمان در راستای اجرای سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ بر آشکارسازی شکاف‌های درونی جامعه عربستان پرداخته است. وی معتقد است بسیاری از قوانینی که پیش از روی کار آمدن محمد بن سلمان محترم شمرده می‌شد امروز کنار گذاشته شده‌اند و در درون این جامعه از گسست فرهنگی در جامعه هراس وجود دارد که آیین و رسوم گذشتگان با سبک زندگی جوانان تغییر عظیمی پیدا کند. شولوو بر همین مبنا، پیش‌بینی می‌نماید که اصلاحات جدید منجر به اقدامات خشونت‌آمیز گروه‌های سلفی در عربستان خواهد شد.

کارن الیوت هاوس (۲۰۱۲) ضمن بررسی مسائل مرتبط با شکاف در جامعه عربستان سعودی، برخی از سناریوهای محتمل برای آینده عربستان سعودی را مطرح کرده است. از منظر هاوس، مهم‌ترین شکاف در جامعه سعودی، اختلافات عمیق میان مدرن‌گرایان و محافظه‌کاران است. با توجه به اینکه بازه زمانی کتاب، قبل از آغاز اصلاحات بن سلمان است و در بازه تحولات بیداری اسلامی تدوین شده است، انجام اصلاحات توسط نوادگان خاندان سعودی را بعید فرض می‌نماید.

هم‌چنین موسسه تحقیقاتی استراتفور آمریکا (۲۰۱۹)، در گزارشی در خصوص تأثیر تحولات جدید عربستان بر شکاف‌های در جامعه سعودی می‌نویسد: تحولات اقتصادی جدید در عربستان منجر به محرومیت بخش‌های عظیمی از جمعیت عربستان سعودی شده است. تحولات جدید اقتصادی به شکاف اجتماعی موجود دامن زده و موجب افزایش دامنه شکاف میان طبقه محروم و طبقه ثروتمند جامعه سعودی شده است. وعده‌های تحقق‌نیافته برای رسیدن به فرصت‌های مطلوب اقتصادی در این کشور و تلاش‌های فراوان در نهایت موجب سرخوردگی جوانان سعودی در مسیر دست یافتن به یک زندگی بهتر و شایسته‌تر شده است.

استیون مسنر (۱۹۸۹) در پژوهش مبنایی خود در خصوص رابطه میان تبعیض اقتصادی و خشونت به این نتیجه می‌رسد که کشورهایی که با تبعیض اقتصادی بالا علیه گروه‌های اجتماعی اقلیت عمل می‌کنند، نسبت به کشورهایی که دارای تبعیض کمتری هستند، از میزان خشونت سیاسی بیشتری برخوردار هستند.

نتایج پژوهش طالبان (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که محرومیت موجب خشونت سیاسی در کشورهای مسلمان شده است. اول، ترکیبی از تبعیض گروهی قوی با نابرابری اقتصادی پایین و دیگری، جوامعی که در آن‌ها تبعیض گروهی قوی با توسعه‌شتابان ترکیب شده است. از نتایج این پژوهش این بود که تبعیض گروهی علت لازم خشونت سیاسی بوده است، یعنی کلیه کشورهایی که خشونت سیاسی را

تجربه کرده‌اند، واجد تبعیض گروهی بوده‌اند.

وب‌سایت میدل ایست آی (۲۰۱۸) با بررسی مشکلات اقتصادی و وجود دیکتاتوری در عربستان سعودی بروز خشونت سیاسی در این کشور طی بروز یک جنگ شهری محتمل دانست. این سایت با تحلیل فقر و شکاف اقتصادی فزاینده میان شهروندان سعودی بیکار و کارگران خارجی شاغل در بخش‌های مختلف نتیجه گرفت از آنجایی که فرصت برای ارائه افکار و دیدگاه‌های مختلف و متعارض در این کشور وجود ندارد، خشونت سیاسی از طریق بروز یک جنگ شهری جلوه‌گر خواهد شد. الیوت هاوس در خصوص سناریوهای آینده عربستان و بروز خشونت سیاسی در عربستان می‌گوید: در سناریوی آخر می‌تواند طرح خلاصه‌شده‌ای از سه سناریوی دیگر باشد که دربرگیرنده - متلاشی شدن وضع موجود، اصلاحات شکست‌خورده یا سرکوب- فروپاشی و هرج‌ومرج است. با این حال بعید به نظر می‌رسد که ثبات پادشاهی حفظ شود. هیچ‌کس نمی‌تواند با اعتماد به نفس کامل ابراز کند که این رویدادها در کشور اتفاق نخواهد افتاد، زمانی که به هیچ نهادی اجازه صحبت و حل اختلاف در مورد وضعیت موجود داده نمی‌شود. به احتمال زیاد به نظر می‌رسد که اصرار بر روی ماندن در وضعیت موجود تنها سبب زوال «اقتصادی» و «اجتماعی» بیشتر می‌شود؛ اگر تلاش شود تابنده‌ای اصلاحات باز شوند با واکنش تند محافظه‌کاران مواجه خواهد شد و در کنار آن سرکوب شعله‌های اصلاحات نیز سبب فوران هرج‌ومرج در جامعه خواهد گردید (الیوت هاوس، ۱۳۹۴: ۱۹۹). البته هاوس پیش از روی کار آمدن محمد بن سلمان و آغاز اصلاحات محمد بن سلمان پژوهش خود را نوشت و وضعیتی که در ذهن ترسیم کرده است، با واقعیت کنونی عربستان تفاوت‌هایی دارد؛ اما وی در صورت تغییرات در عربستان، واکنش‌های تند محافظه‌کاران سلفی را چندان دور از ذهن ندانسته است.

ب- مبانی نظری و روش

۱- شکاف اجتماعی

مفهوم شکاف، برگرفته از واژه انگلیسی «Cleavage» است که نسبت به واژه‌های «انشعاب» و «برخورد» دایره محدودتری را در برمی‌گیرد. بسیاری از پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا تعریف مشخصی از شکاف ارائه دهند و تفاوت آن را با برخورد و انشعاب توضیح دهند. کاربرد غالب مفهوم

شکاف در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و علم سیاست اشاره به انشعاب در داخل نظام اجتماعی و سیاسی از طریق شکل‌گیری خطوط قومی و ایدئولوژیک یا انشعاب در ابعاد و مسائل مختلف دارد. گاهی نیز برای اشاره به عدم توافق بر سر مسئله‌ای سیاسی یا اجتماعی مناقشه برانگیز به‌کاربرده می‌شود (درویشی، ۱۳۹۷: ۲۵).

بر این اساس شکاف اجتماعی ناظر بر آن دسته از تقابل‌هایی است که ساختاری بوده و موجد گسست صف‌آرایی و گروه‌بندی در ساخت جامعه می‌شود. مطابق این برداشت گروه‌های اجتماعی جدا و در مقابل هم قرار می‌گیرند و اختلاف‌های اساسی در مورد مسائل اصلی جامعه دارند و نوعی دوقطبی را در جامعه پدید می‌آورند. به طوری که همسو کردن دیدگاه‌های متفاوت آن‌ها به‌آسانی امکان‌پذیر نیست. فرض کلی نظریه‌پردازان این است که شکاف‌های اجتماعی به تدریج و در صورت مدیریت نشدن موجب پیدایش شکاف‌های سیاسی می‌شوند و جامعه را دوقطبی کرده و از تعادل خارج می‌سازند. در واقع می‌توان گفت شناخت شکاف‌های اجتماعی به‌مثابه شناخت مبانی تکوین نیروهای اجتماعی است. نیروها و گروه‌های اجتماعی به صورت تصادفی به وجود نمی‌آیند بلکه مبتنی بر علایق گوناگون در درون ساخت جامعه ایجاد می‌شوند. چنین علایقی معمولاً حول شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۷).

نقطه آغاز شکاف اجتماعی انشعاب بین گروه‌های اجتماعی است که از تفاوت در موقعیت اجتماعی و منافع فردی و جمعی، اختلاف در ویژگی‌های عمومی (فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) و اختلاف در مواضع و ارزش‌های آنان ناشی می‌شود؛ بنابراین منابع انشعاب در جامعه که مسئول ایجاد شکاف شناخته می‌شوند، برگرفته از منابع و سطوح مختلف اجتماعی است. در همین رابطه «پیربیرنهام» و «برتراند بادی» معتقدند که شکاف‌های اجتماعی از لایه‌های متعدد و متفاوت وابستگی ناشی می‌شوند. آن‌ها می‌گویند این انشعاب‌ها به‌طور کلی از طریق طبقات یا مراتب اجتماعی، ملیت، زبان، فرهنگ کلی گروهی از شهروندان، نژاد، خاندان، جنسیت و گاهی سن، همچنین بخش‌های جداشده از بدنه، محیط خانوادگی یا محلی، سطح علمی، مدل اقامت، میزان امنیت مادی و معنوی و نیز تجربه‌ها و ناکامی‌های شخصی یا گروهی مشخص می‌شوند (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۲۲).

بررسی مفهوم شکاف از این جهت دارای اهمیت است که هر نوع صف‌آرایی و تضاد موجود در جامعه را نمی‌توان شکاف نامید. به‌طور کلی باید میان دو نوع تقابل «مقطعی» و «ساختاری» تفکیک قائل شد؛ تقابل‌های مقطعی و ناپایدار می‌توانند موجد تنش‌هایی در جامعه باشند. در حالی که تقابل‌های

ساختاری ریشه در بطن اجتماع دارند و از تضادهای اساسی نهفته در دل جامعه نشات می‌گیرند (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۱).

به گفته روکان شکاف عبارت است از تقابلی که گذرا نیست و برخاسته از متن جامعه می‌باشد. چنین شکاف‌هایی همان‌گونه که محقق نروژی «استین روکان» نشان داده است، تمایل به انجماد دارند و برای سالیان متمادی در یک جامعه رحل اقامت خواهند افکند. در اثر حوادث بزرگی چون انقلاب یا نوسازی و امثال آن است که تضادهای عمیقی در یک جامعه ایجاد می‌شود و به‌صورت شکاف به معنایی که گذشت ظاهر می‌گردند. (مطهر، ۱۳۹۱: ۳۵) البته باید توجه داشت که نباید شکاف را به تقابل تقلیل دهیم. شکاف لزوماً تقابل نیست اما ممکن است در شرایط مختلف به تقابل منجر گردد؛ مانند شکاف جنسیتی و شکاف نسلی.

«دانیل لویی سلر» در این باره می‌گوید؛ در مقابل تضاد و صف‌آرایی (تضادهای ساختاری)، دو اتفاق ممکن است رخ بدهد. نخست آنکه ممکن است تغییری سریع و رادیکال در روابط اجتماعی به‌منظور از بین بردن تضادهای موجود رخ دهد. این راه سریع تغییر همان انقلاب است. راه‌حل دوم عبارت است از پذیرش تضاد و تقابل ریشه‌دار در متن اجتماع و تلاش برای از بین بردن و یا کاهش اثرات مخرب آن. در این شرایط می‌توانیم از شکاف در جامعه سخن بگوییم. البته ساختار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یک جامعه و توان نظام سیاسی آن تعیین‌کننده راه‌حل انقلابی و یا میزان اثرات مخرب تضادها در جامعه است.

از نظر محقق نروژی، استین روکان، شکاف‌های اجتماعی پس از ایجاد هرگز از بین نمی‌رود بلکه تنها ممکن است در مقاطع یا دوره‌هایی غیرفعال گردیده و با مهیا شدن شرایط، این شکاف‌ها سر باز نمایند. در اندیشه روکان شکاف‌های اساسی اجتماعی حاصل تنازعاتی هستند که ریشه در تضادهای برخاسته از متن اجتماع دارند. وی شکاف‌های اساسی را متغیر اصلی و توضیح‌دهنده‌ی ماهیت ستیزهای اجتماعی و شکل‌های مدنی در جامعه می‌داند و احزاب و تشکل‌ها را سخنگوی شکاف‌های اساسی موجود در جامعه می‌داند. روکان بر این باور است که شکاف‌های اساسی موجود در جامعه، نوع مطالبات و شیوه بیان آن‌ها را تعیین می‌کند و تأثیر شگرفی بر گفت‌وگوهای اصلی حاکم بر هر جامعه دارد (لیپست و روکان، ۱۹۷۷: ۶۱).

لذا از میان مفاهیم ارائه‌شده در خصوص شکاف باید گفت مفهوم شکافی که در این پژوهش به‌عنوان تعریف مختار در نظر گرفته است بدین شرح است: شکاف به تضاد و صف‌آرایی میان بخش-

های مختلف یک جامعه گفته می‌شود که در اثر حوادثی پدید می‌آیند و برای سال‌های متمادی باقی خواهند ماند. شکاف‌ها بیانگر تفاوت تفکر میان مردم یک جامعه در خصوص یک مسئله است که تنها به مرزهای تفکر محدود نشده و بیانگر اقدامات و جهت‌گیری‌های آن‌ها خواهد بود.

البته در پایان ذکر این نکته ضروری است که شکاف‌ها تا رسیدن به مرحله تجزیه اجتماعی باید مراحل را پشت سر بگذارند؛ بنابراین فرصت و شرایط برای مدیریت آن‌ها وجود دارد. البته روند گسترش و تعمیق شکاف‌ها یکسان نیست و ممکن است برخی شکاف‌ها سرعت بیشتری را تا مرحله تجزیه اجتماعی و شکاف سیاسی طی کنند و برخی دیگر سرعت کمتری داشته باشند (درویشی، ۱۳۹۷: ۲۷).

۲- خشونت

به دلیل تنوع تحرکات و خشونت‌های سیاسی مختلف تعاریف مختلفی از خشونت ارائه شده است. پرخاشگری یا خشونت در معنای کلی آن تحمیل اراده خود به دیگران، پیشبرد هدف و قصد با توسل به زور، گفتار و رفتار آزاردهنده، حرکت قهرآمیز ناشی از اراده خاص (خارج از محدوده و قوانین و قواعد) و نیز اعمال نیروی جسمانی یا بدنی است (فکوهی، ۱۳۷۸: ۴۱). خشونت را می‌توان به وارد آوردن نوعی فشار و زور فیزیکی از سوی یک نهاد، یک فرد یا یک گروه بر نهاد، فرد یا گروهی دیگر دانست که باهدف وادار کردن آن نهاد یا افراد به انجام کاری برخلاف میل و اراده‌شان انجام بگیرد. از این رو خشونت همواره در برابر میل، اراده و آزادی قرار دارد و به نوعی حدود آن‌ها را تعیین می‌کند (افتخاری، ۱۳۷۸: ۱۷).

در پژوهش پیش رو منظور از خشونت و پرخاشگری، خشونت اجتماعی و تحرکات اعتراضی است در قالب اقداماتی همچون انقلاب و تظاهرات و یا اقدامات خشن فردی ابراز می‌شود که بیانگر نارضایتی‌های آنان در برابر رژیم حاکم سعودی است. خشونت می‌تواند اقسام مختلفی داشته باشد که در اینجا مقصودمان از خشونت، خشونتی است که می‌توان آن را اعتراضی نامید. مقصودمان به خشونت کشیده شدن بسیج و تحرکات اجتماعی در مقابل نظام سیاسی است. خشونت اعتراضی، نقطه مقابل تحرکات اجتماعی آرام و اعتراض‌های بدون خشونت است که در چارچوب یک نظام سیاسی می‌تواند صورت پذیرد. به‌عنوان مثال فیلیپ برو نیز در تعریف خشونت می‌نویسد: «هر کنترل اجتماعی که در مقابل تمایلاتی ایستادگی، یا آزار رفتاری را تحمیل نماید و یا یک مسیر اجتماعی و یا

چارچوب خاصی از زندگی را مختلف کند، خشونت نام دارد» (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۳).

خشونت سیاسی را می‌توان گونه‌ای از خشونت تعریف کرد که موضوع آن بر سر قدرت سیاسی باشد، چه بر سر دستیابی به قدرت، چه بر سر اعتراض و نابود کردن یک قدرت و چه بر سر حفظ و تداوم بخشیدن به یک قدرت موجود. در این معنای عام خشونت سیاسی را نمی‌توان لزوماً از مفهوم طبیعی خشونت جدا کرد، زیرا موضوع قدرت در مرکز و بطن تقریباً تمام انواع خشونت‌های نهفته است. مگارژی، خشونت را چنین تعریف می‌کند: خشونت به معنای اشکال افراطی رفتار پرخاشگرانه است که احتمالاً باعث آسیب‌های مشخص به افراد می‌گردد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۵).

با توجه به تعاریف گفته‌شده خشونت سیاسی هر اقدام و فعلیتی که باهدف و انگیزه دستیابی به قدرت سیاسی که از طریق شیوه‌هایی چون بسیج توده‌های مردمی و بر خواسته از مطالبات مردم برای تغییر و یا رسیدن به یک خواسته صورت گیرد. خشونت سیاسی به کلیه حملاتی اطلاق می‌شود که درون یک اجتماع سیاسی علیه رژیم سیاسی، بازیگران- شامل گروه‌های سیاسی رقیب و صاحب‌منصبان حکومتی- یا سیاست‌های آن صورت می‌گیرد (گر، ۱۳۷۷: ۲۴). با توجه به این موارد «خشونت سیاسی» عبارت از کنش‌هایی اعتراضی است که شکل خصمانه و غیر نهادی به خود می‌گیرد و طرف‌های درگیر به‌صورت عامدانه، از اجبار فیزیکی برای صدمه زدن به یکدیگر یا اموال یکدیگر استفاده می‌نمایند تا تغییری سیاسی را (چه در سیاست‌ها و در چه در ساختار حکومت) به وجود آورند (طالبان، ۱۳۹۱: ۱۹).

۳- اصلاحات بن سلمان و چشم‌انداز ۲۰۳۰

در دوره کنونی اتفاقاتی در عربستان رخ داده است که تا پیش از آن حتی سخن گفتن در این باره با نقدهای فراوانی مواجه می‌شد. اصلاحات اجتماعی وسیعی در راستای دین زدایی از جامعه متدین عربستان ایجاد شده و آزادی‌های گسترده‌ای به زنان اعطا شد. محمد بن سلمان هم‌چنین اصلاحات اقتصادی را آغاز کرد که مشکلات فراوانی را برای جامعه عربستان سعودی به همراه داشته است. به همین جهت دو بخش پراهمیت اصلاحات محمد بن سلمان اصلاحات اقتصادی اجتماعی بر مبنای سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ در عربستان بیشترین تأثیر را در گسترش شکاف‌های اجتماعی در عربستان داشته‌اند. لذا در این پژوهش تلاش شده است تا تأثیر این اصلاحات را بر شکاف‌های اجتماعی و بروز اقدامات تهاجمی و خشن در مقابل محرومیت جامعه عربستان را بررسی کنیم. با توجه به نوع

تحقیق، از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای برای گردآوری و از روش توصیفی-تحلیلی برای بررسی و تبیین داده‌ها استفاده شده است.

۵- چارچوب نظری تحقیق؛ نظریه محرومیت-تهاجم

تاکنون برای تبیین چرایی بروز خشونت نظریات مختلفی از سوی جامعه‌شناسان مطرح شده است. برخی از دانشمندان همچون «تد رابرت گر» برای بررسی علل بروز خشونت جمعی به سوی نظریات روان‌شناختی انقلاب روی آورده‌اند. این نظریات انقلاب‌ها را محصول تحول در فرایندهای ذهنی افراد می‌دانند و مبنای بررسی‌های خود را نظریه ناکامی-خشونت گذارده و بر طبق این نظریه معتقدند چنانچه در راه حصول افراد به اهداف مانعی ایجاد شود، محصول طبیعی این وضع ایجاد ناکامی و نارضایتی در آن‌هاست. نظریه محرومیت نسبی رابرت گر از این جهت که به تحلیل علل ناکامی-خشونت می‌پردازد قرابت بیشتری با نظریه محرومیت تهاجم دارد اما از آنجایی که رابرت گر در تحلیل وضعیت افراد به علل روان‌شناختی فردی توجه می‌کند، از نظریه مختار پژوهش فاصله می‌گیرد. در اینجا بهتر است پیش از ورود به توضیح چارچوب نظری پژوهش، نظریه محرومیت نسبی را که بسیاری از پژوهشگران در جهت تحلیل خشونت سیاسی استفاده کرده‌اند را توضیح دهیم. محرومیت نسبی یعنی درک تفاوت میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی افراد، ممکن است بر اساس مقایسه وضعیت فعلی فرد با گذشته خود، آرمان‌های انتزاعی یا معیارهایی که توسط یک رهبر یا یک گروه مرجع طراحی شده است (ایدئولوژی) و ارجاع به گروه‌های دیگر، شکل گیرد. بدین منظور «گر» در نظریه خود که معروف به محرومیت نسبی است می‌کوشد ابتدا به چگونگی ایجاد محرومیت نسبی (منبع نارضایتی) در افراد اشاره کرده و سپس نشان دهد که چگونه این وضعیت ذهنی-روانی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی از حالت ذهنی خارج شده و در شکل خشونت سیاسی (وضعیتی عینی) نمایان می‌گردد (سام دلیری، ۱۳۸۲: ۸۱۶).

مؤلفه اصلی نظریه «محرومیت-تهاجم» بر این نکته استوار شده است که محرومیت تا چه اندازه می‌تواند بر اقدامات تهاجمی و توجیه انگیزه‌های خشونت مؤثر باشد. مطابق این نظریه افرادی که تحت فشار نیروهای قوی‌تر قرار گرفته و قادر به مقابله با آن نیستند، دچار محرومیت می‌شوند و همین امر آن‌ها را وامی‌دارد تا به دنبال پیدا کردن بازیگران ضعیف‌تری برآیند تا بتوانند آن‌ها را موضوع خشم خودساخته و بر محرومیت خویش فائق آیند.

نظریه برکوویتز (۱۹۸۹ و ۱۹۶۹) موسوم به نظریه «محرومیت-تهاجم» این نکته را بیان می‌دارد که اعمال منتهی به ایجاد محدودیت همچون محرکی برای بروز رفتارهای تهاجمی عمل می‌نماید و انگیزه افراد را برای توسل به خشونت و اقدام به تهاجم بالا می‌برد. در این نظریه برخلاف دیدگاه تحلیل روان‌شناختی، افراد به‌واسطه نیروهای محرومیت ساز بیرونی و نه انگیزه‌های ذاتی درونی برای توسل به خشونت و اقدام به هجوم تهییج می‌شوند.

محرومیت به سان یک زمینه ضروری برای بروز رفتارهای خشونت‌بار و حمله به دیگران به شکل مفهومی مستقل پردازش و طراحی نشده است که بروز رفتارهای تهاجمی علاوه بر محرومیت نیاز به زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های دیگری نیز دارد و محرومیت را باید صرفاً یکی از علل معدود این پدیده دانست. به گفته «هاگس» (Hughes) اقلیت‌هایی که میزان بیشتری از محرومیت را تجربه می‌نمایند و یا اینکه در جوامعی قرار دارند که جریان تبعیض‌آمیز اعمال قدرت بین گروه‌های مختلف سیاسی-اجتماعی، شدید می‌باشد، معمولاً دچار این حالت بوده و «احساس تبعیض» در آن‌ها بسیار قوی می‌باشد (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۴۲). نتیجه مهم دیگری که از نظریه محرومیت تهاجم حاصل می‌شود این است که چنانچه شما در پی جلوگیری از بروز آن باشید (به‌واسطه وجود علت اصلی که همان محرومیت باشد) فقط محل آن تغییر می‌کند (افتخاری، ۱۳۷۸: ۴۸).

پ- تأثیر اصلاحات بر شکاف‌های اجتماعی

۱- وضعیت شکاف‌های اجتماعی بعد از اصلاحات بن سلمان

۱-۱- شکاف دین و دولت

پادشاهان سعودی در طول سال‌های حکومت خود تلاش کرده‌اند تا دولت-ملت مدرن مدنظر خود را در بستر پادشاهی خاندان آل سعود تقویت کرده و گسترش دهند. این پادشاهان برای دستیابی به این هدف نیاز به همراهی و حضور شیوخ سلفی متعصب برای بسیج توده‌های مردمی و یافتن پشتوانه مردمی بوده‌اند. در همین راستا همواره تقابلی میان سنت‌های دینی سلفیت متحجر حجازی و تمایلات مدرن و بر خواسته از نوسازی پادشاهان سعودی وجود داشته است. عربستان از آغاز باب میل و فتاوی شیوخ سلفی نبوده است و حتی پادشاهان نیز نتوانسته‌اند دولت مدرن را در

سایه حضور افکار ارتجاعی سلفیت به معنای غربی آن گسترش دهند. لذا شکاف میان طرفداران دین و دولت در عربستان از ابتدا وجود داشته است.

بعد از آغاز اصلاحات محمد بن سلمان فاصله اجتماعی میان دو جریان دین و دولت بیشتر شد. اگرچه این شکاف از گذشته در بطن جامعه سعودی وجود داشته است، اما اقدامات بن سلمان موجب گردید تا شکاف میان این دودسته افزایش یابد. از آنجایی که این شکاف در عربستان سابقه‌دارتر است، تحولات عمیق‌تری را در پی داشته است.

تأسیس موسسه تفریح و سرگرمی^۱ عربستان از جمله مهم‌ترین اقدامات جنجالی بن سلمان است. هدف از ایجاد این موسسه برگزاری برنامه‌های شاد و مفرح در سطح جامعه است تا همه اقشار جامعه عربستان بتوانند زندگی پربار و شاداب‌تری را تجربه کنند. (سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی) تأسیس موسسه تفریح و سرگرمی یکی از ارکان سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ محمد بن سلمان محسوب می‌شود. در این سند مهم در خصوص اصلاحات و توسعه اجتماعی آمده است: «از تفریح هدفمند برای شهروندان خود حمایت می‌کنیم. هم‌چنین اقدام به افزایش فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی خواهیم کرد تا در زمینه پربار کردن استعداد شهروندان سهمی مهم ایفا کنیم. با توسعه ساختارها، دستگاه‌ها و قوانین تلاش خواهیم کرد تا باشگاه‌های ورزشی و اجتماعی توسعه یابد و کیفیت فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی ارتقا یابد و حمایت‌های مالی لازم از آن‌ها فراهم شود» (سند چشم‌انداز ۲۰۳۰: ۲۷).

در همین راستا این موسسه نیز اقدام به برگزاری کنسرت‌ها و جشن‌های موسیقی کرده است. موضوعی که پیش‌ازاین بخش قابل‌توجهی از شیوخ سعودی حکم به تکفیر موسیقی و غنا داده بودند، اکنون به‌صورت رسمی و با حمایت دولت در حال مطرح‌شدن در جامعه است و زنان آوازخوان مطرح غربی و عربی در این کنسرت‌ها دعوت می‌شوند. برگزاری سیرک‌های خارجی، پخش فیلم‌های غربی و به‌روز در سینماها، جشن‌ها و بازی‌های سرگرم‌کننده از جمله اقداماتی است که این موسسه در عمر کم خود انجام داده است.

تا قبل از روی کار آمدن محمد بن سلمان شیوخ سلفی آزادانه در عربستان فعالیت‌های تبلیغی خود را داشتند و مخاطبان فراوانی را به خود جذب می‌کردند. هم‌چنین تفکیکی میان روحانیون در

عربستان وجود نداشت و کلیه فعالیت‌های مذهبی و دینی در عربستان با حمایت دولت همراه بود؛ اما بعد از روی کار آمدن محمد بن سلمان روحانیون سلفی که گرایش‌های نزدیک‌تری به اخوان المسلمین داشتند از سوی دستگاه‌های امنیتی عربستان دستگیر و زیر شکنجه این نهادها قرار گرفتند. برخی منابع نیز خبر از کشته شدن این شیوخ زیر شکنجه دستگاه‌های اطلاعاتی دادند. از جمله معروف‌ترین این شیوخ می‌توان از شیخ «سلمان العوده» نام برد. سلمان العوده معاون یوسف القرضاوی، رئیس اسبق اتحادیه علمای مسلمان بود که به اتهام همکاری با این سازمان و ارتباطات با قطر و ۳۷ اتهام دیگر به تحمل زندان تا تعیین حکم نهایی محکوم شده است (عبدالله اوغلو، ۲۰۱۹/۰۳/۰۹).

دستگیری روحانیون سلفی و تضعیف هیئت امریه معروف موجب شد تا فعالیت‌های این سازمان متوقف شود. در مقابل نیز سازمان تفریح و سرگرمی در عربستان با حمایت محمد بن سلمان قدرت گرفت و گستاخانه اقدام به فعالیت‌های ضد دینی در عربستان سعودی کرد. لذا در پس سازمان تفریح و سرگرمی و سازمان امریه معروف و نهی از منکر، دو جریان اجتماعی معارض شکل گرفت و روحانیون متعصب سعودی را در مقابل جریان «لیبرال‌ها» قرارداد.

سیاست دستگیری شیوخ پرنفوذ عربستانی همراه با فعالیت‌های ضد دینی در جامعه سعودی ادامه دارد. روحانیت سلفی در طول سال‌های گذشته از حمایت بخش عظیمی از جامعه سعودی همراه بود، اما حکومت سعودی از ترس بسیج توده‌های اجتماعی توسط این شیوخ اقدام به بازداشت آن‌ها کرد. اگرچه شکاف‌ها در جامعه عربستان چهره‌ای متفاوت از آنچه روکان در اروپا متذکر شده، دارند، اما شکاف اجتماعی دین و دولت هم‌اکنون در عربستان برجسته است و شباهت‌هایی با شکاف‌های قرن ۱۸ جامعه اروپایی پیدا کرده است. بدین معنا که برخی از شیوخ و روحانیون در جامعه عربستان در مخالفت با اقدامات ضد دینی بن سلمان و موسسه تفریح و سرگرمی سخنرانی کرده و فعالیت‌های این موسسه را در تقابل با احکام و شرع الهی دانستند. این دو طیف از جامعه از ابتدای تأسیس عربستان سعودی در این کشور حضور فعال داشته‌اند اما هیچ‌گاه کار این دسته به بازداشت نرسید و همه پادشاهان سعودی خود را خدمت‌گزار دین اسلام معرفی کرده‌اند. به‌عنوان مثال دستگیری «عبدالعزیز الفوزان» استاد فقه معاصر دانشگاه امام محمد بن سعود توانست بخشی از جامعه عربستان با دیدگاه‌های وی همراه کند و انتقاداتی را با خود همراه سازد. فوزان به کنایه از اقدامات سازمان تفریح انتقاد کرده بود و این اظهارات در نهایت موجبات دستگیری وی را فراهم آورد. در میان تغییرات

اجتماعی در عربستان تفاوتی میان دستگیری‌های روحانیون درباری و غیر درباری وجود ندارد.^۱ در مقابل نیز بخش دیگری از جامعه عربستان با افکار لیبرال و آزادی‌خواهانه از اقدامات بن سلمان حمایت می‌کنند. عمده افراد این گروه را فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های غربی، اқشار مطالبه‌گر نوسازی غربی و ضد دین تشکیل می‌دهند که بانگیزه‌های ملی‌گرایانه از سیاست‌های سکولاریستی محمد بن سلمان حمایت می‌کنند.

اعطای گواهینامه رانندگی به زنان را می‌توان یکی از مصادیق افزایش شکاف دین و دولت قلمداد کرد که پس از کش‌وقوس فراوان، درنهایت با صدور فرمان پادشاهی با اعطای گواهینامه رانندگی به زنان موافقت شد. در اینجا به‌خوبی می‌توان چرخش دیدگاه‌های شیوخ و فتواهایی که در خدمت پیشبرد اهداف خاندان آل سعود هستند را دید.

به‌محض آن‌که پادشاه عربستان سعودی، در خصوص رانندگی زنان فرمان پادشاهی صادر کرد با تبریک و استقبال گرم همه اқشار از جمله سازمان کبارالعلماء و مفتیان سعودی مواجه شد، در مقابل نیز روحانیون عربستانی که از سال‌ها با مسئله رانندگی زنان مخالف بودند، سکوت را برگزیدند. هیئت کبارالعلماء عربستان سعودی طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «حکم شرعی در این زمینه اصل اباحه است و رانندگی از نظر شرع مجاز است زیرا ادله معتبر بر حرمت این عمل به‌یقین و یا غلبه ظن نمی‌رسد. این درحالی‌که است که فتاوی‌ای فراوانی از این هیئت مبنی بر حرمت رانندگی زنان وجود دارد.» در فرمان پادشاهی عربستان در خصوص آزادسازی رانندگی آمده است: «هیئت کبارالعلماء هیچ مانعی در قضیه اجازه رانندگی زنان نمی‌بیند و ضمانت‌های شرعی و ساختاریافته‌ای را برای جبران این ادله دارد به همین جهت رانندگی زنان از جهت شرعی امری مباح است.» این سخن درحالی‌که گفته شد که آخرین استفتائی که از هیئت کبارالعلماء در این خصوص صادر شده بود به ماه آوریل سال ۲۰۱۶ برمی‌گردد. تنها چند ماه قبل از صدور فرمان ملک سلمان مبنی بر مجوز رانندگی زنان در عربستان، «شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ»، رئیس هیئت کبارالعلماء عربستان در پاسخ به سؤالی گفته بود: «بستن همه

.....
۱. اصطلاح علمای درباری (علماء السلطان) و منتسب به پادشاهی، در میان گروه‌های معارض سعودی شناخته شده است. شیوخ عربستانی در دهه‌های اخیر بین گروه‌های سلفی درباری، سلفی جهادی و اخوان المسلمین تقسیم شده‌اند. دو گروه اخیر به دلیل آن که با حکومت سعودی مخالفت کرده‌اند، دستگیر و سرکوب شدند؛ اما گروه نخست یعنی سلفی درباری به گروهی اطلاق می‌شوند که در فتاوی‌ی نه تابع نص و سنت بلکه با توجه به امیال پادشاه فتاوی‌ی خود را تغییر می‌دهند و توجیه‌گر دینی اقدامات شاه هستند.

وسایل و زمینه‌های شر از جمله رانندگی زنان واجب است، زیرا این امر (رانندگی زنان) درب‌های شر را می‌گشاید» شیخ صالح الفوزان دیگر عضو هیئت کبارالعلماء اعلام کرد: رانندگی زن امری خطرناک است و خطرناک‌تر از آن این است که زن از آزادی کامل برخوردار است و خودرو خود را برمی‌دارد و هر جا که دلش خواست می‌رود. هم‌چنین شیخ محمد بن عثیمین در فتوایی آورده است: شکی نیست که رانندگی زنان از جمله مفاسد کبیره است و این مفاسد بر مصالح آن فزونی دارد. رانندگی زنان پیش‌زمینه امور خطرناک و کشنده‌ای خواهد شد (موقع عربی ۲۱، ۲۷/۱۱/۲۰۱۷).

اکنون بعد از تغییرات اساسی در بخش‌های دیگر نوبت به مسئله ورزش زنان و تأسیس وزارت ورزش می‌رسد. مخالفت‌ها و فتاوی‌ای تحریم شیوخ سلفی همواره از برجسته‌ترین موانع موجود بر سر راه توسعه ورزش زنان در عربستان سعودی محسوب می‌شد. از برجسته‌ترین این فتاوی‌ای می‌توان به فتاوی‌ای تحریم ورزش زنان و دختران اشاره کرد. حتی در سال‌های گذشته یکی از اعضای هیئت کبارالعلماء عربستان به نام «شیخ عبدالکریم الخضیر» همانند علمای سابق خود فتاوی‌ای تحریم ورزش زنان را صادر کرده است (سایت دیدبان حقوق بشر در عربستان، ۲۰۱۲/۴/۱). «شیخ صالح فوزان» نیز در حمایت از فتاوی‌ای «الخضیر» هنگامی که از وی در خصوص ورزش در مدارس دختران سؤال شد، گفت: ان شاءالله این طرح اجرا نمی‌شود، علاوه بر این اگر اجرا شود، ورزش چه فایده‌ای برای پسران داشته است که بخواهد نفعی برای دختران داشته باشد؟ وی حتی تلاش‌ها برای عمومی کردن ورزش دختران در مدارس را پیروی از گام‌های شیطان می‌داند (موقع اسلام‌کا، ۲۲/۰۵/۲۰۰۸).

فتاوی‌ای تحریم ورزش زنان و دختران در اماکن عمومی در جامعه سعودی محترم بود و مجالی برای ورزش زنان در عربستان داده نمی‌شد تا اینکه بن سلمان، «ترکی آل‌الشیخ» را مسئول جدید سازمان ورزش عربستان قرارداد و مجوزهای بی‌حد و حصری را برای ورزش زنان در عربستان قرارداد. این اقدامات زمینه رشد باشگاه‌های ورزشی زنان را فراهم کرد.

در پایان، بخش شکاف دین و دولت می‌تواند این‌گونه جمع‌بندی کرد که محمد بن سلمان با اقداماتی همچون تأسیس سازمان تفریح و سرگرمی، تأسیس وزارت ورزش، دستگیری روحانیون، اعطای گواهینامه رانندگی به زنان موجب گسترش شکاف دین و دولت در عربستان شده است. جالب اینجاست که در حال حاضر اختلافات عمیق و بدگمانی میان سعودی‌ها و سوءاستفاده‌های طولانی‌مدت رژیم برای تقویت حاکمیت اثر معکوس داشته و رژیم را با خطر مواجه کرده است. به‌عنوان مثال، شکاف میان محافظه‌کاران و مدرن‌گرایان مذهبی وسیع‌تر می‌شود و حاکمان «آل سعود»

دریافته‌اند که ایجاد تعادل بین رقبا سخت‌تر از همیشه شده است (الیوت هاوس، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

۱-۲- شکاف فردستان و فرادستان

عدم توازن در برخورداری‌های اجتماعی-اقتصادی و توزیع مناصب قدرت موجب شده است تا این جامعه از شکاف‌های متعدد اقتصادی رنج ببرد. شکاف اقتصادی در جامعه سعودی با نگاهی بر آمارهای اقتصادی بهتر مشخص می‌شود. بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان (با قدرت تولید روزانه ۱۰ میلیون بشکه در روز) کشوری با سرمایه‌های عظیم حاصل از تولید نفت بعد از گذشت ۸۸ سال از تأسیس سومین حکومت آل سعود هنوز نتوانسته است مشکلات فقر، مسکن و بیکاری را برای جمعیت ۲۱ میلیونی‌اش حل کند. مهم‌ترین مشکل عربستان سعودی از سال‌های گذشته تاکنون مسئله افزایش ناگهانی جمعیت است. در دهه هفتاد جمعیت عربستان فقط ۷ میلیون نفر بود اما اکنون جمعیت این کشور به ۳۴.۲۱۸.۱۶۹ نفر رسیده است؛ که بیش از ۱۲.۱۴۳.۹۷۴ نفر از این افراد خارجیانی هستند که برای کار به عربستان آمده‌اند. (موقع هیئة الإحصاء السعودی، ۲۴/۰۹/۲۰۱۹) یعنی فقط ۲۱ میلیون سعودی در این کشور زندگی می‌کنند و دولت با مشکلات عدیده اقتصادی درباره آن‌ها مواجه است. به‌عنوان مثال می‌توان به مسئله رشد فقر در عربستان اشاره کرد، اگرچه منبع بی‌طرف و رسمی در زمینه آمار دست‌کاری نشده وجود ندارد، اما می‌توان تا حدودی میزان فقر را در جامعه سعودی با آمارها تخمین زد. آمارهای غیررسمی حاکی از فقر ۱۵ الی ۲۵ درصدی در جامعه عربستان است. وزارت کار عربستان سعودی در آوریل سال ۲۰۱۶ برنامه‌های حمایت مالی شهروندان را آغاز کرد. در این برنامه که باهدف مدیریت اعتراضات اجتماعی آغاز شده بود، ۱۱ میلیون و ۸۴۰ هزار نفر در این برنامه ثبت‌نام کردند. (البحار، ۲۰۱۷/۰۸/۱۹) در مجموع بنا بر آمارهای غیررسمی بین ۲ الی ۴ میلیون نفر در عربستان زیرخط فقر زندگی می‌کنند و حقوق کمتر از ۳۰۰۰ ریال دریافت می‌کنند.

اما در مقابل نیز وضعیت ثروتمندان سعودی قابل توجه است. عربستان با داشتن ۶۴ میلیارد در لیست ۱۰ کشور نخست دنیا در این زمینه قرار دارد، شاهزاده ثروتمند سعودی ولید بن طلال با سرمایه‌ای بالغ بر ۱۸.۷ میلیارد دلار نیز در رأس آن‌ها قرار دارد (Wealth-X, 06/08/2014).

اگر قشر متوسط سعودی از «اقتصاد ناکارآمد» عربستان که قادر به ایجاد اشتغال نیست، ناامید هستند و با کاهش «سطح استاندارد زندگی» و تقلیل «فرصت‌های مناسب» برای فرزندان‌شان نگران می‌شوند؛ گروهی از سعودی‌ها به شدت فقیر هستند که این نگرانی‌ها را، تجملات زندگی تلقی می‌-

کنند. آن‌ها سعودی‌های فقیری هستند که اغلب در مناطق روستایی محروم یا در مناطق فقیرنشین واقع در حاشیه شهرهای بزرگ و صنعتی زندگی می‌کنند.

شگفت‌انگیز است که این تضاد در جامعه‌ای نمود دارد که صاحب «طلای سیاه» است، آسمان‌خراش‌های درخشان دارد. برای اولین بار سطح استاندارد زندگی جهانی مشخص کرد که به‌طور کامل ۴۰ درصد از خانواده‌های سعودی با درآمدی کمتر از ۳۰۰۰ ریال سعودی (۸۵۰ دلار) در ماه زندگی می‌کنند. حدود ۱۹ درصد از سعودی‌ها بسیار فقیر هستند و با حقوق کمتر از ۱۸۰۰ ریال سعودی (۴۸۰ دلار) در ماه زندگی می‌کنند. زندگی برای این افراد بسان «مبارزه» است. در ضمن تعداد فقرا در این کشور همچنان رو به رشد است (ELLIOTT HOUSE, 2012:117).

از جمله دیگر نمودهای شکاف اقتصادی در عربستان و افزایش غیرقابل کنترل بیکاری در جامعه عربستان است. تعداد قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان عربستانی با بیکاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند و از تبعیض قابل توجه در درآمدها و سطح زندگی رنج می‌برند که به بروز شکاف گسترده‌ای در جامعه عربستان منجر شده است. با مهار نشدن بیکاری در جامعه سعودی آمارهای رسمی بیکاری این کشور به ۱۵.۴ درصد رسیده است، اما نمایندگان مجلس شورای سعودی اعتقاد دارند که دولت درباره این آمارها دروغ می‌گوید و آمار اصلی بیکاری بیش از ۳۴ درصد است (العتیبي، ۲۰۱۸/۰۱/۱۱).

اقدامات بن سلمان در راستای چشم‌انداز ۲۰۳۰ در حوزه اقتصادی منجر به تقویت شکاف فرادستان و فرودستان شده است. پروژه‌های عظیم اقتصادی و بیهوده و هزینه برای ساخت شهرهای جدید موجب شده تا بار سنگین وضعیت جاری بر دوش مردم بیفتد. در اینجا باید به بخش‌هایی از گزارش موسسه تحقیقاتی استراتفور از وضعیت نابرابری‌های اقتصادی میان شهروندان سعودی اشاره شود. نابرابری اقتصادی میان شهروندان سعودی موجب تقویت شکاف‌ها میان فقرا و ثروتمندان در جامعه سعودی شده است. افزایش ناامیدی میان مردم عربستان موجب شده است که پیوندهای اجتماعی میان پادشاهان و شهروندان از هم گسسته شود. تحولات اقتصادی جدید آرزوی زندگی همانند طبقه متوسط شهری را برای مردم عربستان تبدیل به یک رؤیا کرده است (Stratfor, 29/04/2020).

افزون بر این، وضع مالیات‌های سنگین بر درآمدها، بروز تورم سنگین، افزایش قیمت بنزین، افزایش قیمت خدمات عمومی دولتی همچون آب و برق، بیکاری فزاینده در میان جوانان و افزایش بودجه و کسری آن موجب شده است تا مردم بار دشواری‌های تحول اقتصادی در این کشور را

متحمل شوند. حکومت عربستان سعودی از ابتدای سال ۲۰۱۸ با افزایش قیمت سوخت، خدمات عمومی و وضع مالیات بر ارزش افزوده و یا حتی مالیات بر کارگران خارجی در حال افزایش درآمد-های دولتی است. آمارها در این کشور نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی جدید به ضرر شهروندان و دارایی‌های آن‌ها تمام شده است. بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی بانک مرکزی عربستان سعودی میزان اخذ وام در این کشور ۱۵۲٪ افزایش داشته است. این آمار بدین معناست که مردم برای مقابله با مشکلات مالی به اخذ وام‌های بیشتر روی آورده‌اند. مردم برای درمان، آموزش، بیمه، خرید منزل و خرید خودرو به اخذ وام از بانک‌ها روی آورده‌اند (Bloomberg, 25/07/2018).

در کنار افزایش اعطای وام به مردم، رفتارهای دولت را باید برآوردی از رفتار اقتصادی مردم قلمداد کنیم. محمد بن سلمان برای جبران کسری بودجه ناشی از طرح‌های بلندپروازانه سند ۲۰۳۰ به اخذ وام‌های خارجی رو آورده است که موجب افزایش بدهی‌های عمومی و کسری بودجه در عربستان سعودی شده است. وزارت امور مالیه عربستان سعودی در سال جاری باهدف پوشش کسری بودجه دست به انتشار اوراق بهادار به ارزش ۳۱.۵ میلیارد دلار زده است؛ اما فارغ از کسری بودجه فزاینده در این کشور بدهی‌های عمومی عربستان با رشد قابل توجه ۲۱ درصد در پایان سال ۲۰۱۹ به ۱۸۱ میلیارد دلار (۶۷۷ میلیارد ریال سعودی) رسیده است (سایت الجزیره، ۲۰۱۹/۴/۱).

جدول شماره ۱: مقایسه بدهی‌های عمومی و وام‌های خارجی اخذشده از سوی دولت عربستان سعودی

۳۱ دسامبر							به میلیارد ریال (ریال سعودی)
۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	
۱۲۰.۰	۱۲۰.۰	۱۳۹.۱	۲۰۰.۱	۹۸.۰	-	-	میزان وام‌های اخذشده
۲.۰	۳.۳	۱۲.۴	۲۵.۸	-	۱۵.۹	۲۳.۷	پرداخت‌شده در این بازه
۶۷۷.۹	۵۶۰.۰	۴۴۳.۳	۳۱۶.۶	۱۴۲.۲	۴۴.۳	۶۰.۱	میزان بدهی عمومی تا پایان دوره
۲۱.۱	۲۶.۳	۴۰.۰	۱۲۲.۵	۲۲۱.۴	۲۶.۴	۲۸.۳	میزان رشد بدهی‌های عمومی به درصد
۲,۸۱۱	۲,۹۳۴	۲,۵۶۴.۴	۲,۴۱۸.۵	۲,۴۵۳.۵	۲,۸۳۶.۳	۲,۷۹۹.۹	تولید خالص داخلی
۲۴.۱	۱۹.۱	۱۷.۳	۱۳.۱	۵.۸	۱.۶	۲.۱	نسبت بدهی‌های عمومی با میزان تولید داخلی

(منبع: موقع وزارة المالية السعودية، ۲۰۲۰/۱۲/۱۱)

افزون بر بدهی‌های عمومی سنگین‌ترین بودجه در تاریخ عربستان در پی هزینه‌های سرسام‌آور پروژه‌های سنگین اقتصادی در این کشور با رقم یک تریلیون و ۱۰۶ میلیارد ریال به تصویب رسید. این افزایش رقم باهدف فائق آمدن بر کسری بودجه‌های پیاپی و جبران خسارت‌های ناشی از اصلاحات اقتصادی در این کشور ایجاد شده است؛ که خود بیانگر حجم اتلاف سرمایه و فقدان برنامه جامع پیش‌روی این کشور است (سایت الشرق الاوسط، ۲۰۱۸/۱۲/۱۹). محمد بن سلمان هزینه‌های این حکومت را بر دوش مردم واگذار کرده است و در حقیقت این مردم هستند که بار اصلاحات اقتصادی او را به دوش می‌کشند. برخی از آمارها نشان از این دارد که در سه سال منتهی به ۲۰۲۰ قیمت بنزین ۳۵۰ درصد افزایش یافته است. تا جایی که تنها در طول سه ماه بنزین ۱۱۳ درصد افزایش یافت (سایت نون پست، ۲۰۲۰/۸/۱۱).

از این رو، مقامات سعودی برای جبران خسارت‌های عظیم ناشی از طرح‌های بلندپروازانه و ناکام بن سلمان میزان مالیات بر ارزش افزوده را از ۵ درصد به ۱۵ درصد افزایش دادند. افزایش مالیات بر کالاها عمومی موجب فشار زیاد اقتصادی بر طبقات فرودست در این کشور شده است و عملاً این طبقات ضعیف هستند که باید بار اصلاحات اقتصادی محمد بن سلمان را به دوش بکشند. (سایت الشرق الاوسط، ۲۰۲۰/۰۶/۳۰) در نتیجه این اقدامات تورم ماهیانه در عربستان به ۶.۱ درصد رسید. واگذاری بار مالی اقدامات اقتصادی محمد بن سلمان بر دوش سعودی‌ها، در کشوری که تاکنون تورم این‌چنینی را تجربه نکرده و مدعی ثبات اقتصادی است، مسئله‌ای جدید و برای مردم این کشور دشوار به حساب می‌آید (اکرامی، ۲۰۲۰/۸/۱۶).

۲- سایر شکاف‌های موجود در جامعه سعودی

در ادامه لازم است برای دست یافتن به تصویری جامع از وضعیت شکاف‌ها در جامعه عربستان به بررسی سایر شکاف‌های مهم که موجب تقویت محرومیت و خشونت اجتماعی خواهد شد، پردازیم. سه شکاف مرکز-پیرامون، شکاف نجدی-حجازی و شهروند سعودی-غیرسعودی ارتباطی با اقدامات محمد بن سلمان ندارند و یا حداقل کمترین تأثیر را از اصلاحات جدید پذیرفته‌اند.

۲-۱- شکاف مرکز-پیرامون (مناطق توسعه‌یافته در برابر مناطق حاشیه‌ای)

در پی ایجاد مناطق صنعتی و تقویت صنایع پتروشیمی بافت‌های اجتماعی متفاوتی به تأثیر از این

مشاغل در عربستان سعودی به وجود آمد. ورود سرمایه‌های عظیم پترودلار چهره این کشور را دگرگون کرد. به دلیل همین صنایع، سرمایه‌ها به صورت ناموزون در استان‌های مختلف عربستان پراکنده شده‌اند. در میان استان‌های عربستان ریاض، مکه و جدّه از دیگر مناطق توسعه‌یافته‌ترند و به همان نسبت بافت جمعیتی این مناطق را اغلب طبقه لیبرال و تجددخواه شکل می‌دهند؛ اما از سوی دیگر مناطق حاشیه‌ای کمتر توسعه‌یافته‌اند و از مشکلات فراوانی رنج می‌برند. تفاوت‌های قابل توجه میان این مناطق، موجب شده است تا دوطبقه مجزا میان ساکنین این مناطق شکل گیرد. خدمات، فرصت‌های شغلی، توسعه‌یافتگی شهرها و وجود ادارات دولتی بزرگ از جمله تفاوت‌های بارز میان این شهرهاست. باید توجه داشت که این شهرها خاستگاه‌های اقتصادی و اجتماعی مردمان ساکن آن را تغییر داده است و دوطبقه مجزا بافاصله زیاد را ایجاد کرده است. زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در این دو مناطق متفاوت است و مردم از مشکلات فراوانی رنج می‌برند.

اکنون در عربستان سعودی شاهد نوعی مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای اصلی و بزرگ هستیم. حتی افرادی که تحصیل کرده‌اند برای یافتن فرصت‌های شغلی بهتر و زندگی راحت‌تر چاره‌ای جز زندگی در شهرهای بزرگ ندارند. البته افزایش رقابت میان این اقشار علاوه بر ناامیدی موجب شده است تا شکاف میان طبقه ثروتمند و فقیر افزایش یابد. تغییر شاخص‌های جمعیتی در مناطق شهرنشین عربستان موجب شده است تا تبعیض قابل توجهی در وضعیت مسکن و شرایط شغلی میان شهروندان و افرادی که در مناطق دور از مرکز زندگی می‌کنند، ایجاد شود. به همین دلیل با آواره شدن جمعیت از مناطق دور از مرکز به شهرهای پرجمعیت باهدف پیدا کردن شغل که از سال ۲۰۱۷ آغاز شده است، پدیده مهاجرت داخلی در عربستان شدت گرفته است. جریان مهاجرت داخلی نابرابری در میان طبقات مختلف مردم را برجسته کرد و با توجه به تلاش‌هایی که عربستان صورت داده است باید گفت: این تلاش‌ها تاکنون نتیجه مطلوب خود را نداشته است (Stratfor, 29/04/2020).

۲-۲- شکاف نجدی-حجازی

جامعه عربستان به لحاظ طبقه‌بندی‌های درونی در بافت جامعه از طبقاتی برخوردار است که از جمله برجسته‌ترین این شکاف‌ها در داخل جامعه عربستان شکاف نجدی-حجازی است. نا عدالتی گسترده در توزیع منابع قدرت و ثروت در خصوص سایر شهرها همچنان برجسته است. اهالی حجاز از اینکه خود را زیر سلطه وهابیان نجدی می‌بینند ناراضی هستند. در واقع روند دولت-ملت سازی در

عربستان سعودی چندان با همبستگی ملی میان اقوام مختلف همراه نبوده است و در طول ۸۸ سال از الحاق بخش‌های مختلف جامعه سعودی همچنان اختلافات چشمگیری میان این اقوام با نجدی‌ها دیده می‌شود. از آنجایی که حجازی‌ها در زمان حکومت شریفان مکه از ارتش، پول، حکمرانی و سیاست‌های مستقلی برخوردار بودند، حاکمیت وهابیان نجدی را نپذیرفتند و بعد از شکست از عبدالعزیز دست به شورش‌هایی زدند. همانند این شورش‌ها نیز در خصوص سایر اقلیت‌های فرهنگی و هویتی نیز دیده می‌شود. شکاف عمیق بین فرهنگ‌های موجود در عربستان سعودی به حدی است که گروه‌های معارض زیادی حول محور آن‌ها شکل گرفته‌اند و همه آن‌ها به این مطلب اعتقاد دارند که آل سعود با نجدی‌سازی قصد دارد فرهنگ و هویت قومی آن‌ها را از بین ببرد و لذا در همه عرصه‌ها افرادی با هویت نجدی را بر آن‌ها حاکم می‌کند. گروه مسلط در عربستان سعودی تکثر دینی و فرهنگی را نمی‌پذیرد. لذا حقوق همه گروه‌های غیر از خودش را سرکوب می‌کند و هیچ چارچوب قانونی برای حمایت از حقوق و آزادی‌های سایر گروه‌ها وجود ندارد (درویشی، ۱۳۹۷: ۶۲). افزایش رقابت خصمانه بین فرهنگ نجدی و حجازی از عوامل محتمل تحول در آینده است. حجازی‌ها از نظر افکار، اندیشه و تحصیلات مترقی‌تر از نجدی‌ها هستند. از طرفی نجدی‌ها نیز حجازی‌ها را از نوادگان زنانی که به عقد زائران خانه خدا درمی‌آمدند، می‌دانند که جزء نسل پست عرب‌ها بوده و عرب اصیل نیستند و لذا شایستگی پذیرش مسئولیت‌های دولتی را ندارند (آقایی، ۱۳۶۸: ۶۸؛ شامی قرچلو، ۱۳۸۹: ۲۲). در حال حاضر اقلیت نجدی قدرت سیاسی، ارتش، قوای مسلح را در اختیار دارند و این در حالی است که اهل حجاز حتی اگر تحصیلات عالی هم داشته باشند نمی‌توانند به جایگاه‌های بالادست یابند و حضور زیادی در ارکان حکومتی آل سعود نخواهند داشت (نادری، ۱۳۸۸: ۸۱۲).

باید توجه داشت که بعد از تسلط کامل نجدی‌ها بر حجاز، آنچه آتش حجازی‌ها را شعله‌ور کرد، حاکم کردن مذهب وهابی در این مناطق بود. وهابیت با تکفیر اعتقادات اهالی حجاز توانسته است بر مناطق مکه و مدینه حکمرانی آل سعود را هموار کند.

بنابراین فرهنگ حجازی به واسطه اقلیت بودن خصیصه قومی پیدا کرده است و جهت‌گیری ضد نجدی بسیاری دارد. تبعیض‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و هم‌چنین تفاوت‌های مذهبی و فقدان تساهل مذهبی وهابی‌ها باعث ایجاد شکاف عمیق بین آن‌ها شده است. این شکاف‌ها حتی همبستگی اهل تسنن مخالف حکومت برای تشکیل یک جبهه معارض را نیز دشوار کرده است.

(درویشی، ۱۳۹۷: ۶۲) حجازی‌ها روحیه تساهل و تسامح دارند درحالی‌که نجدی‌ها سرسخت‌اند و باروحیه جنگجویی تلاش دارند تا تفکر وهابی خودشان را در حجاز ترویج دهند (بزرگر، ۱۳۷۴: ۱۵۱).

۲-۳- شکاف شهروند سعودی و غیر سعودی

عربستان سعودی همانند هر کشوری نیازمند مدیران ارشد اجرایی و تصمیم‌گیر در سطوح کلان است، اما این حکومت به‌جای تکیه بر استعدادها و ظرفیت‌های جوانان سعودی نیاز به این مدیران را از خارج از کشور تأمین کرده است که موجب بروز شکاف عظیمی میان جوانان سعودی شاغل و یا بیکار با مدیران خارجی و مهندسان شرکت‌های بزرگ در عربستان شده است.

پیگیری این سیاست موجب جذب بیش از ۱۲ میلیون خارجی به عربستان شده است که تعداد قابل‌توجهی از آن‌ها هم‌اکنون در بخش‌های صنعتی و خدماتی مشغول به کار هستند. این جمعیت خود ۳۷ درصد از جمعیت عربستان را شکل می‌دهد. البته فرصت حضور این کارگران خارجی در عربستان خود عامل مهمی در مسئله بیکاری عربستان محسوب می‌شود. تا جایی که پای خارجی‌ان به مشاغل دولتی، مناصب مدیریتی و مشاغل تخصصی همچون پزشکی و مهندسی گشوده شد و مانعی بر سر راه جوانان عربستانی محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال در بخش مهندسی تنها ۸ درصد از مهندسان در این کشور، سعودی هستند و ۹۲ درصد باقی‌مانده را غیر عربستانی‌ها تشکیل می‌دهند. به این معنا از مجموع مهندسان شاغل در عربستان ۲۵۲۸۰۶۶ مهندس خارجی و مهندسان عربستانی مجموعاً ۲۱۶۵۰۴ نفر هستند. (سایت عربین بیزنس، ۲۰۱۷/۱۰/۱۷) این وضعیت در اغلب حوزه‌های حساس و تصمیم‌گیر در عربستان مشاهده می‌شود که به بیکاری و اعتراضات جوانان بیکار دامن زده است.

وجود شهروندان غیر سعودی موجب شده است تا شکافی میان این دو نوع از شهروندان در عربستان رخ دهد. از آنجایی‌که این افراد بیش از یک‌سوم جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و مناصب قدرتمندی را در عربستان اشغال کرده‌اند، شاهد اعتراضات گسترده‌ای به حضور مدیران خارجی در عربستان بوده‌ایم. به‌گونه‌ای که جوان محروم از فرصت‌های شغلی، خود را در کشوری بیگانه تصور می‌کند که توسط مدیران خارجی مدیریت می‌شود و چیزی از میهن جز تحمل رنج فقر و بیکاری نصیب او نخواهد شد.

۳- تبیین رابطه محرومیت-تهاجم با وقوع خشونت سیاسی در عربستان

مهم‌ترین مانع بروز خشونت سیاسی و تهاجم در عربستان وجود سرکوب در جامعه بسته عربستان سعودی است. سرکوب شدید معترضان سعودی موجب شده است تا اقدامات خشن سیاسی در عربستان سعودی چندان مشاهده نشود. با این وجود جامعه سنتی سعودی تجربه خشونت‌های اجتماعی دشواری را پشت سر گذاشته است و از دوره‌های گذشته تاکنون اقدام به بازتولید خشونت در این جامعه کرده است. قیام‌های خونین سلفی‌ها در طول حکومت‌های سه‌گانه عربستان، غارت مناطق شیعی، جنگ‌های سی‌ساله عبدالعزیز برای تأسیس حکومت سوم عربستان، سرکشی گروه وهابی «اخوان من اطاع الله» علیه عبدالعزیز، قیام جهیمان العتیبی در سال ۱۹۷۹ و تسخیر خانه خدا توسط آن‌ها، حمایت و پشتیبانی از گروه‌های جهادی مبارز در افغانستان و حمایت از گروه‌های سلفی-جهادی در عراق و سوریه نمونه‌هایی از بازتولید خشونت سیاسی در طول دوره‌های مختلف در این جامعه است که می‌تواند نمونه‌هایی از این خشونت‌های سیاسی در جامعه سعودی بازتولید شود. از آنجایی که گروه‌های مختلفی در جامعه عربستان از توزیع برابر قدرت کنار گذاشته شده‌اند، پدید آمدن توقع فزاینده برای حضور در جامعه و قدرت از طریق خشونت سیاسی چندان دور از ذهن نخواهد بود.

در آخرین مورد «عبدالرحیم الحویطی» شهروند سعودی، به دلیل مخالفت با تخلیه منزل خود در روستای «الخربیه» واقع در «استان تبوک» در راستای دستور محمد بن سلمان برای احداث شهر نئوم حاضر به پذیرش خواسته‌های نیروهای امنیتی نشد و باهدف نشان دادن اعتراض خود نسبت به اقدامات سرکوبگرانه آل سعود دست به مبارزه مسلحانه با نیروهای امنیتی عربستان زد. قبیله «الحویطات» صدها سال است که در روستاها و شهرهای استان تبوک در شمال غرب عربستان ساکن است، حالا حدود ۲۰ هزار نفر باید محل زندگی خود را ترک کنند تا جا برای ساخت شهر رؤیایی ولیعهد باز شود. الحویطی پیش از کشته شدنش در ویدئویی که خودش ضبط کرده است گفت: ما در زمانی هستیم که دنیا تحت حکومت کودکان (محمد بن سلمان) قرار گرفته و مصیبت بزرگ‌تر ما مربوط به علمای ما است. علما ترسو هستند. در این زمان از ترس به عنوان حکمت و از گفتن سخن حق به عنوان بی‌پروایی یاد می‌شود. این حادثه توانست بخش قابل توجهی از قشر سلفیان و مذهبیان سعودی را با خود همراه کند و لقب «شهید زمین» از سوی مردم به عبدالرحیم الحویطی داده شد (سیف، 23/4/2020).

همچنین به‌عنوان نمونه از گسترش شکاف فرادستان و فرودستان می‌توان به تظاهرات جوانان بیکار سعودی اشاره کرد که در استان «قصیم» رخ داد. این جوانان در دوم فوریه ۲۰۲۱ دست به تجمع و تظاهرات علیه گرانی، مالیات سنگین و نرخ بالای بیکاری در عربستان زدند که این تجمع شبانه نیز با حضور و دخالت نیروهای امنیتی به خشونت کشیده و تظاهرکنندگان پراکنده شدند.

هم‌چنین در جامعه بسته عربستان نمی‌توان به‌صراحت عنوان کرد که تا چه میزان شکاف‌های مذکور فعال یا غیرفعال است؛ زیرا شکاف‌ها به دودسته فعال و غیرفعال تقسیم می‌شوند؛ غیرفعال بدین معنا که آگاهی و سازمان‌دهی و عمل سیاسی بر پایه آن صورت نمی‌گیرد. فعال‌سازی شکاف‌ها نیز متضمن فرایند پیچیده‌ای تحت عنوان بسیج اجتماعی است و بر اساس میزان فعال یا غیرفعال بودن شکاف‌ها، پویایی جامعه تاندازه‌ای قابل بررسی است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۷). به وجود آمدن پتانسیل خشونت سیاسی شرط لازم برای شکل‌گیری خشونت سیاسی است. برای اینکه بدانیم آیا خشونت سیاسی رخ می‌دهد یا خیر و یا اینکه شکل و حجم خشونت سیاسی چگونه خواهد بود باید دو متغیر دیگر، یعنی وضعیت نسبی نیروهای قهریه نظام حاکم و مخالفان و نیز وضعیت نسبی حمایت‌های نهادی از نظام حاکم و مخالفان را بررسی کنیم (پناهی، ۱۳۹۳: ۲۹۱).

نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف یافتن تأثیر اقدامات محمد بن سلمان ولی عهد عربستان سعودی بر شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه عربستان سعودی سامان‌یافته و برای بررسی تأثیر آن از نظریه محرومیت-تهاجم استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر را می‌توان به‌صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

اول اینکه جامعه عربستان سعودی همانند سایر جوامع دارای شکاف‌هایی است که در اثر حوادث گوناگون و یا در طول تاریخ این کشور به وجود آمده‌اند. در این پژوهش ادعا شد، شکاف‌های جامعه سعودی مربوط به گذشته است ولی روی کار آمدن محمد بن سلمان و اقدامات وی بر اساس سند ۲۰۳۰ در حوزه اصلاحات اقتصادی-اجتماعی موجب افزایش شکاف دین و دولت (به دلیل پیگیری سیاست‌های سکولاریستی) و شکاف فرادستان و فرودستان (به دلیل پیگیری سیاست‌های اقتصادی سند ۲۰۳۰) شد. ولی عهد جوان سعودی عملاً فاصله موجود میان این شکاف‌ها را افزایش داد که به

نارضایتی مردم در مسائل اقتصادی و نارضایتی گروه‌های دینی و محافظه‌کاران سلفی در حوزه‌های اجتماعی منجر شده است.

نتیجه طبیعی محرومیت در جامعه کنونی عربستان، تهاجم برای به دست آوردن منافع اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. با در نظر گرفتن شکاف‌های فزاینده در جامعه سعودی و بروز چندپارگی در این جامعه، عناصر وحدت‌بخش اجتماعی (مذهبی) و اقتصادی کار ویژه خود را ازدست‌داده‌اند. به همین دلیل بروز خشونت سیاسی در سایه حکومت پادشاهی مستبد سعودی که با هرگونه انتقاد مقابله سخت می‌کند، دور از ذهن نخواهد بود. مهم‌ترین تأثیر سیاست‌های محمد بن سلمان بر شکاف‌های جامعه عربستان سعودی تقویت و افزایش فاصله معنادار در شکاف‌های «دین و دولت» و «فردستان و فردستان» است. جامعه نامتوازن سعودی در مسائل دینی و مذهبی همواره منتقد فعالیت‌های پیش‌تازانه جریان ضد دین سکولاریسم در برابر سنت و مذهب است. هم‌چنین سرکوب روحانیون معترض و جریان‌های اسلامی می‌تواند انگیزه قابل دفاعی برای ظهور گسترده گروه‌های جهادی و بنیادگرا در سرزمین وحی باشد.

دوم اینکه مردم عربستان با تأثیر از این شکاف‌ها دچار محرومیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند و نابرابری در دسترسی منابع ثروت و اقتصاد در بستر این شکاف‌ها، محرومیت در جامعه سعودی را افزایش داده است. افزون بر این بار عظیم تغییرات اقتصادی بر دوش مردم قرار گرفته است که هزینه‌های زندگی و دشواری‌های اقتصادی را افزایش داده و به نابرابری‌های اقتصادی دامن زده است. در مجموع شکاف‌های توسعه‌یافته بر بستر نابرابری و محرومیت‌های اجتماعی موجب تقویت خشونت سیاسی خواهد شد.

سوم اینکه بر اساس نظریه محرومیت-تهاجم که در بالا تبیین شد، با بروز محرومیت میان بخش‌های مختلف جامعه، انگیزه لازم برای اقدامات خشونت‌بار سیاسی در بستر گسترش شکاف‌های اجتماعی فراهم شده است. باید توجه داشت که میزان فعال و غیرفعال بودن شکاف، وجود عامل سرکوب، توسعه نهادهای دموکراتیک و فرهنگ سیاسی پیشرفته در یک جامعه از جمله برجسته‌ترین عواملی هستند که متغیرهای جداگانه‌ای در جهت بروز خشونت سیاسی محسوب می‌شوند که در پژوهش حاضر مجالی برای بررسی این عوامل دست نیافت.



نمودار شماره ۱: اقدامات محمد بن سلمان در چارچوب سند ۲۰۳۰

منابع

الف- منابع فارسی

- اصغری نیاری، یعقوب؛ محمود اوغلی، رضا (۱۳۹۷)، «احساس محرومیت نسبی در میان قوم بلوچ و تاثیر آن بر خشونت سیاسی»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش سیاست نظری، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان، صص ۳۳۶-۳۰۵.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، خشونت و جامعه، تهران: نشر سفید.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، اقلیت‌گرایی دینی طراحی یک چارچوب تحلیلی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی»، مطالعات راهبردی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۳۸-۱۹.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۹)، «دولتی شدن احزاب سیاسی در غرب: بازخوانی نظریه کارتل‌های حزبی ریچارد کاتز و پیتر مایر»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۷۱ و ۲۷۲، صص ۱۴۷ - ۱۳۴.
- آرنه، هانا (۱۳۵۹)، خشونت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آقای، سید داوود (۱۳۶۸)، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۷۴)، «تحولات سیاسی اجتماعی عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱، بهار، صص ۴۱-۶۵.

- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۳)، *نظریه‌های انقلاب: وقوع فرایند و پیامدها*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- درویشی، داریوش (۱۳۹۷)، *عربستان سعودی سیاست خارجی در سایه بحران‌های داخلی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سام دلیری، کاظم (۱۳۸۲)، «سنجش محرومیت نسبی در نظریه تد رابرت گر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ششم، شماره چهارم، زمستان، شماره مسلسل ۲، صص ۸۲۷-۸۱۳.
- السعید، ناصر (۱۳۹۵)، *تاریخ آل سعود*، ترجمه عبدالله امینی پور، تهران: نشر راه نیکان.
- شامی قرچلو، ابوالفضل (۱۳۸۹)، *جغرافیای کشورهای جهان، عربستان*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- طالبان، محمدرضا، (۱۳۹۱)، «ارزیابی تجربی نظریه محرومیت در تبیین دین‌داری»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، مطالعات اجتماعی ایران سال ششم، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۱۷).
- عبدالعالی، عبدالقادر (۱۳۹۱)، *رژیم اسرائیل و گسست‌های سیاسی-اجتماعی آن* ترجمه محمد خواجویی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸)، *خشونت سیاسی: نظریات مباحث اشکال و راهکارها*، تهران: نشر قطره.
- گر، تد رابرت، (۱۳۷۷)، *مدلی علی از منازعات داخلی در خشونت و جامعه*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: نشر سفیر.

- مطهر، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «تبیین پیدایش و کارکرد حزب توده ایران از ۱۳۴۰ تا ۱۳۲۰ بر طبق نظریه «شکاف‌های اجتماعی» استین روکان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- نادری، عباس (۱۳۸۸)، «بررسی جامعه‌شناختی نظام سیاسی عربستان سعودی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۳، صص ۸۱۸-۸۰۳.
- هاوس، کارن البوت (۱۳۹۴)، *درباره عربستان سعودی، مردم، گذشته، دین، خطوط گسست و آینده*، تهران، پیام‌سان، ترجمه‌ی مرتضی رجائی خراسانی - فاطمه مهسا کارآموزیان.

ب- منابع انگلیسی

- karen Elliott house, (2012), *on Saudi arabia, it' people, past, religion, fault lines-and future*, Alfred A. Knopf, NEW YORK.
- Lipset, S.M. and Rokkan, S. (1977), *Cleavage structures, party systems, and voter alignments: an introduction*, in S.M. Lipset and S. Rokkan (eds).
- Messner, E. (1989), *Economic Discrimination and Societal Homicide Rates: Further Evidence on the Cost of Inequality*, American Sociological Review, 54 (4).

پ- منابع اینترنتی

- ---Royalty Rules On Wealth-X's Middle East Rich List, Wealth-X, available at (06/08/2014): <https://bit.ly/2FUKd4B>
- ---Saudi Arabia: The coming civil war, Middleeasteye, available at (18/08/2017): <https://www.middleeasteye.net/opinion/saudi-arabia-coming-civil-war>
- ---Overview: Poverty in Saudi Arabia, Americans for Democracy & Human Rights in Bahrain, available at (12/01/2017): <https://www.adhrb.org/2017/01/11597/>

- Algethami, Sarah, Saudis Load Up on Debt as Government's Austerity Program Bites, Bloomberg, available at (25/07/2018) <https://bloom.bg/2RVEYUM>
- Chulov, Martin, Young v old, urban v rural: cultural reforms expose Saudi fault lines, available at (06/12/2019) <https://www.theguardian.com/world/2019/dec/06/its-a-free-country-now-saudi-arabia-touts-new-openness>
- ---Why Business as Usual May Soon Change in Saudi Arabia, Stratfor, available at (29/04/2020) <https://worldview.stratfor.com/article/why-business-usual-may-soon-change-saudi-arabia>
- --- الأحزاب السياسية في الوطن العربي، سايت الجزيرة المراجعة الأخير (٢٠٠٤/١٠/٠٣) <https://bit.ly/2GNV0h1>
- --- «خطوات الشيطان» حرمان النساء والفتيات من الحق في الرياضة في المملكة العربية السعودية، سايت ديدبان حقوق بشر، المراجعة الأخير (٢٠١٢/٤/١) <https://www.achrs.org/4446>
- --- ستصل ١٨١ مليار دولار هذا العام... السعودية تغرق في الديون، موقع الجزيرة، المراجعة الأخير (٢٠١٩/٤/١) <https://bit.ly/2FODUj8>
- --- ملخص المديونية العامة، وزارة المالية السعودية، المراجعة الأخير (٢٠٢٠/١٢/١١) <https://www.mof.gov.sa/NDMC/ReportsandStatistics/Pages/default.aspx>
- --- ١١٣٪ خلال ٣ أشهر.. قفزات أسعار البنزين تثير سخط السعوديين، موقع نون پست، المراجعة الأخير (٢٠٢٠/٨/١١) <https://www.noonpost.com/content/37932>
- --- رفع أسعار البنزين بالسعودية يفجر غضبا شعبيا على مواقع التواصل، موقع العربي، المراجعة الأخير (٢٠٢٠/٠٢/١٦) <https://bit.ly/2RUiJP6٢١>

- بسبب بطلان المهندسين السعوديين.. داؤود الشريان يشن هجوماً ضد وزارة العمل، عربین بی‌زینس، المراجعة الأخير (۲۰۱۷/۱۰/۱۷)
<https://arabic.arabianbusiness.com/content/321128>
- خادم الحرمين يعلن أكبر ميزانية فى تاريخ السعودية، موقع الشرق الاوسط، المراجعة الأخير (۲۰۱۸/۱۲/۱۹)
<https://bit.ly/33RCJY9>
- ممارسة المرأة للرياضة ضوابطها وشروطها ومخاطرها، سايت اسلام‌كا، المراجعة الأخير (۲۰۰۸/۰۵/۲۲)
<https://bit.ly/3iKgvwz>
- إجمالي عدد سكان السعودية لعام ۲۰۱۹، موقه هيئة الإحصاء السعودية، المراجعة الأخير (۲۰۱۹/۰۹/۲۴)
<https://www.my.gov.sa/wps/portal/snp/aboutksa/saudiReportsAndStatistics>
- چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان، (۲۰۱۶/۰۴/۲۵) مراجعه كنيد به لينك زیر
www.vision2030.gov.sa/ar/download/file/fid/353
- عودة المحتسبين مجدداً ضد رياضة المرأة، موقع صحيفه المرصد، المراجعة الأخير (۲۰۱۶/۰۲/۲۶)
<https://bit.ly/34IGsrp>
- السعودية: ضريبة القيمة المضافة بنسبة ۱۵٪ تدخل حيز التنفيذ، موقع الشرق الاوسط، المراجعة الأخير (۲۰۲۰/۰۶/۳۰)
<https://bit.ly/34eTahk>
- اكرامى، عبدالله، التضخم فى السعودية يرتفع ۶.۱٪ فى يوليو مع رفع ضريبة القيمة المضافة إلى ۱۵٪، موقع الاقتصاديه، المراجعة الأخير (۲۰۲۰/۸/۱۶)
https://www.aleqt.com/2020/08/16/article_1898661.html
- باعامر، ياسر، السينما فى السعودية جدل مستمر، موقع الجزيرة، المراجعة الأخير (۲۰۱۲/۰۳/۲۶)
<https://bit.ly/30QO0XM>

- البحار، علاء، خريطة الفقر في السعودية تتسع إلى ۴ ملايين مواطن... وثروات النفط للأغنياء، موقع العربي الجديد، المراجعة الأخير (۲۰۱۷/۰۸/۱۹) <https://bit.ly/3lygQUZ>
- عبدالله اوغلو، اليف، من هو الداعية «سلمان العودة» الذي تطالب النيابة السعودية بإعدامه؟ موقع الخليج آنلاين، المراجعة الأخير (۲۰۱۹/۰۳/۰۹) <https://bit.ly/2GWnJjD>
- العتيبي، بندر، البطالة بين الشورى والإحصاء.. اتهامات بتغيير الأرقام والمفرج: مجرد اجتهادات، موقع وكالة سبق، المراجعة الأخير (۲۰۱۸/۰۱/۱۱) <https://sabq.org/GCSWb6>
- مصطفى، احمد، قيادة المرأة للسيارة بالسعودية...كيف أصبح الحرام حلالاً؟ موقع عربي ۲۱، المراجعة الأخير (۲۰۱۷/۱۱/۲۷) <https://bit.ly/2GykUWx>
- المطيري، عبدالمحسن، أما زلتم تبحثون عن دار للسينما في السعودية؟ موقع رصيف ۲۲، المراجعة الأخير (۲۰۱۶/۰۴/۲۲) <https://bit.ly/30NucVn>
- سيف، رمضان، عبد الرحيم الحويطي.. الرجل الذي صور مقتله صامدا، موقع الجزيرة، المراجعة الأخير (۲۰۲۰/۰۴/۲۳) <https://bit.ly/3tUefsw>